

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۸ اپریل ۲۰۲۰

کاسه های داغتر از آتش!

میان دو تن جنگ چون آتش است سخن چین بدبخت هیزم کش است

بوستان(سعیدی)

جمعه- ۲۹ حمل ۱۳۹۹- کابل: در حالی که گذشت زمان نیز نتوانسته، بوی گند و تعفن برخاسته از انتخابات کذائی در ۶ میزان را کاهش دهد و هر روزی که می گذرد حتا حامیان و سازماندهندگان محکم آن افتضاح، بدون آن که از گذشته خود و توهینی که با تقلبات خود به مردم افغانستان انجام دادند معذرت بخواهند و ابراز پشیمانی نمایند، در عمل مواضع جدیدی را که صد در صد مخالف مواضع قبلی شان است، اعلام می دارند، باز هم هستند کسانی که با تعریف از این و رد آن دیگری و یا عکس آن، به گفته استاد سخن "سعیدی" به هیزم کشی اشتغال دارند. در یادداشت امروز توجه شما را به دو نکته متضاد در همین زمینه جلب می نمایم:

۱- این را همه به خاطر داریم که به محض ختم مضحکه و بالماسکه انتخابات کذائی، حتا قبل از آن که به اصطلاح کمیسیون مستقل انتخابات به سوالات و انتقادات پاسخ گفته و یا موضعی اتخاذ نموده باشد و بر مبنای آن نتایج انتخابات را اعلام بدارد، نمایندگان اتحادیه اروپا و نماینده خاص ملل متحد در امور افغانستان، زود تر از سفارت امریکا به خوشرقصی و تأیید آن مضحکه پرداختند.

همین ها بودند که بعد از برکناری سفیر امریکا و آمدن فرد دیگری به حیث سرپرست موقت سفارت امریکا در افغانستان، خیلی زود در عقب "غنی احمدزی" صف کشیده گاهی با اشاره و زمانی هم صریحاً حمایت شان را از "غنی احمدزی" و حکومتش اعلام داشته، با شرکت در مراسم تحلیف "غنی احمدزی" به زعم خودشان بر تمام کشمکش ها نقطه پایان گذاشتند.

اما امروز با عدول از مواضع قبلی شان و به گفته مردم کابل "لیسیدن تف خودشان" می آیند و اعلامیه صادر می کنند که «هر روزی که بدون موجودیت حکومت می گذرد، مردم افغانستان را در معرض خطرات بیشتری قرار می دهد، اعتبار نهادهای دموکراتیک را تضعیف می کند و شرکای اروپایی را دلسرد می سازد.»

صدور چنین اعلامیه ای در گام اول اذعان به عدم موجودیت "حکومت" است، یعنی آنچه را دیروز خودشان موجود اعلام می داشتند و از دیگران نیز می خواستند تا ضمن به رسمیت شناختن آن موجود، به آن تمکین نمایند رسماً و عملاً به عدم وجود آن اذعان می دارند. بحث کامل در باب این اعلامیه را می گذاریم برای روز های دیگر.

۲- خلاف روندی که اتحادیه اروپا آغاز نموده و می خواهد برایش راه بازگشتی پیدا نماید، می بینیم که عده ای از آنهایی که با کمال تأسف از رابطه آنها با افغانستان تنها همینقدر باقی مانده که در پاسپورت های خارجی شان محل تولد شان یکی از شهر های افغانستان نگاشته شده و دیگر هیچ تعلق به افغانستان و مردم رنج کشیده آن ندارند، نه یک روز خوف و وحشتی را که خلق و پرچم در افغانستان عملی می نمودند، تجربه کرده اند و نه هم یک روز حاکمیت دار و تازیانه جهادی ها و طالب را در کارنامه زندگی شان دارند و در طول عمر شان نه بیکه کردن "میک ۲۵" و صدای مخوف هلیکوپتر های پلنگی روسی را شنیده اند و نه هم عبور صدای گوشخراش مرمی ها، بمب ها و راکتهای روسها، قوه سامعه آنها را تخریب نموده و نه اینک اجساد پاره پاره اقارب و فرزندان شان را که در اثر بمباران های پیهم وحشیانه و ضد انسانی ناتو و در رأس همه امریکای جنایتکار در زیر خاک مدفون گرده اند، تجربه کرده اند، زیرا به پیروی از شاه و طغفروش و خاین افغانستان و به حیث پیروان راستین آن در همان آغاز به قدرت رسیدن نوکران روس یا فرار کرده و به خارج پناه گزیده اند و یا هم به مانند سگ هر سوار، روزی برای خلق و پرچم، زمانی برای جهادبست ها و طالب و اینک هم برای جنایتکاران امریکائوشرکاء جفیده و غف زده اند، بدون در نظر داشت اوضاع داخل کشور و این که مردم چه می کشند و در چه حالی هستند و در کنار وحشتی که سایه مرگ کرونا بر مردم انداخته است، ترس احتمال درگیری های مسلحانه بین دو سگ و مزدور امپریالیسم یعنی جاسوس و وطنفروش خیره سر "غنی احمدزی" و اخوانی وطن فروش و سگ هر سوار و جاسوس هر درگاه "عبدالله عبدالله"، چگونه مردم را به امراض روانی دچار ساخته، به خصوص آنهایی که خاطرات سگ جنگی های کابل، بیشتر بخش حافظه آنها را اشغال نموده، در خواب و بیداری باز هم با تفنگ را می بینند و لمس می کنند؛ تلاش می ورزند تا با حمایت و تخریب یکی علیه دیگری بر آتش نفاق و شقاق بین دو جاسوس دامن بزنند، همان هیزم کشانی اند که سده ها قبل سعدی آنها را مشخص ساخته است.

هموطنان گرامی!

این را نیک می دانیم که گذشته از این که در کشوری اشغال شده، طرح و رفتن پای تأیید و عملی ساختن پروژه های انتخاباتی خیانت ملی است، تأیید انتخاباتی از نوع افتضاح افغانستان، خود، مردم و تاریخ را نیز مسخره ساختن است، در نتیجه برای آنانی که خود را روشنفکر می دانند و دست به قلم می برند و مطلبی می نگارند، ننگ تأیید یکی علیه دیگری و به رسمیت شناختن چنان افتضاحی کمتر از خیانت مزدوران روس و امریکا به کشور نمی باشد.

هموطنان گرامی!

ما باید یاد بگیریم که به این "کاسه های داغتر از آتش" فرصت ندهیم تا با هیزم کشی شان، تنور آدمکشی "غنی احمدزی" و "عبدالمود" را گرم نگه دارند. باید چنین افراد را مورد تهاجم همگانی قرار دهیم تا به همان سان که گریخته اند و در روز بد کشور را رها و به اشغالگران و یا اخوان گذاشته خود به آستانبوسی امپریالیسم پرداخته اند، در همان "گریزگاه" های خود، خفقان بگیرند و در لجنی که فرو رفته اند، بخرسند

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع جزء لاینجزای مبارزه علیه دولت دست نشانده است!